



نوشته: ای. روزت (I. Roset)

روانشناسی تخیل (Phantasy)*

همراه بارش روان‌شناسی و فلسفه، دگرگونی‌های چشمگیری درنگرش به تخیل به‌عنوان پرسانه‌ای علمی دیده می‌شود. آثار بديادگار مانده از فیلسوفان کهن در برگیرنده ویژه‌گی‌های روشن تخیل و کوشش‌هایی در جهت تبیین آن است. به ویژه لوکرس^۱ از پیروان اپیکور^۲ در شعر معروف خود به‌نام «درباره طبیعت» این‌گونه می‌سراید:

**

هرگز نگاهه‌ای^۴ از قنطورس^۳ برآمده از زندگی وجود ندارد
از آن‌دوکه هرگز چنین موجودی در هستی نبود
اما زمانی که نگاهه‌های مرد و اسب در پیشامدی یکدیگر را می‌یابند
به‌سادگی درهم می‌آمیزند
چونان‌که در پیش‌گفتیم
این درهم‌آمیزی به‌خاطر چیستی^۵ و بافتار^۶ ظریف آنهاست
و همه چیز بدین‌گونه و از این دست به‌وجود می‌آید

آنچه که در این شعر آمده است چیزی جز نظریهٔ تکامل تخیل هر چند خفایا ساده نیست. و در برابر نظریهٔ فیلسوف پندارگرا^۷، افلاطون^۸ قرار دارد که باورمند بود، توانایی آفرینش تنها به‌خدا یان تعلق دارد، لوکرس می‌گوید: نگاهه‌های نو از پیش‌آمدها و از هماوندی^۹ بدست می‌آید:

همه‌گونه نگاهه وجود دارد
برخی خود پو^{۱۰} در آسمان نقش بسته‌اند
و برخی دیگر خود را از انواع چیزها بیرون می‌آورند
و دیگر و دیگرها که از هماوندی این شکل‌ها بدست می‌آیند.

* متنی را که می‌خوانید، پیشگفتار کتاب روان‌شناسی تخیل است که به‌زودی منتشر خواهد شد.

- | | | | |
|------------|--------------------|-------------------|-------------|
| 1. Problem | 2. Lucretius Carus | 3. Epicurus | |
| 4. image | 5. nature | 6. texture | 7. Idealist |
| 8. Plaro | 9. combination | 10. Spontaneousey | |

** Centour - صورت فلکی جنوبی که زیر سنبله «عذرا» قرار دارد و به‌شکل حیوانی است که قسمت مقدمش از سر تا آخر پشتش مثل آدمی است و قسمت مؤخرش از منشأ پشت تادم به‌اسب شبیه است (فرهنگ معین).

دکارت^۱ و اسپینوزا^۲ فیلسوفان خردگرا^۳، پایه‌آفرینندگی را بیشتر در پیوستگی با تفکر منطقی می‌دانستند تا نگاره‌ها. دانشمندان بزرگی چون پاسکال^۴ و نیوتن از این فراتر رفته و از تخیل چشم پوشیده و آن را در برابر خرد ورزی نهاده‌اند. در حالیکه لایبنیتز^۵ از زمینه‌های پندارگرایی برای چیرگی بر جفتاری^۶ فکر و نگاره‌کار تزیان^۷ پیروان دکارت بهره می‌برد، هیوم^۸ و همه روان‌شناسان تجربی که جای پای او را دنبال می‌کنند راه دیگری برگزیدند. آنها همه درون‌ه‌روان انسان را به سامانه^۹ پیچیده نگاره‌ها محدود ساخته و آفرینندگی را پیامد آن دانستند که بنیاد آن بر همخوانی به واسطه مجاورت و همانندی و تقابل است. با این همه، تخیل به عنوان کارکردی روان‌شناختی، جاذبه بسیاری برای روان‌شناسی همخوانی پیدا کرد و از آن پس کارهای بسیاری به آفرینندگی، ابداع و جز آن اختصاص یافت که بر شالوده آن پدید آمده بودند.

نیمه دوم قرن نوزدهم شاهد تک‌نویسی‌ها و نوشتارهای زیادی درباره آفرینندگی در زمینه ریاضی، فیزیک، ادبیات، نقاشی، موسیقی و مکانیک بود که هر کدام به تخیل، به عنوان عامل یا پیش شرطی گریز ناپذیر برای آفرینندگی می‌نگریستند. جیمز ژرف تیسو^{۱۰} باورمند بود که تخیل سهم بزرگی در رشد تاریخی نوع بشر از راه افزایش گنجائی^{۱۱} او برای دریافت و نوآوری، آموزش و پندارهای^{۱۲} پیشرو داشته است. از دیدگاه دوگاس^{۱۳} «تخیل به تکامل اندیشه‌های علمی یاری فراوان رسانده است. این تخیل است که دانش را به وجود می‌آورد، پرسش‌ها را مطرح می‌سازد و راه‌حل‌ها را بیش‌بینی می‌کند، پژوهش‌ها را سامان می‌بخشد و باز نمودش‌ها^{۱۴} را گرد می‌آورد.»

ادوین اسلسون^{۱۵} و جون داوونی^{۱۶} در گفت و شنود درباره اهمیت خیال در ادبیات داستانی^{۱۷} تاکید می‌کنند که «باید اندکی انعطاف پذیری ذهنی و احتمال نوآوری برای دستیابی به موقعیت‌های جدید وجود داشته باشد. با وجود این در بیشتر سامانه‌های بزرگ روان‌شناسی که جانشین همخوانی‌گرایی^{۱۸} شده، از تخیل چشم‌پوشی شده است. در مسکتب ورتسبورگ^{۱۹}، رفتارگرایان و روان‌شناسان گشتالت^{۲۰} مطالعه در تخیل، کاملاً فراموش شده است. در مواردی اندک، زمانی که این دانشواژه^{۲۱} به کار گرفته شده است (برای مثال در برخی از کارهای آغازین واتسون^{۲۲}) هدف تنها استفاده از آن بوده است. تنها استناد در این روند متکب روانکاوی بود که به تخیل بر بهاداد.

گرچه دانشواژه تخیل بالقوه کنار گذاشته شده بود، پرسش‌هایی که چیستان^{۲۳}ی‌های

- | | | | |
|--------------|--------------------|-------------------|-----------------|
| 1. Descartes | 2. Spinoza | 3. Rationalist | 4. Pascal |
| 5. Leibnits | 6. Juxtaposition | 7. Cartesian | 8. Hume |
| 9. System | 10. Tissot | 11. Capacity | 12. Idea |
| 13. Dugas | 14. Proof | 15. Edwin Slossou | 16. June Downey |
| 17. fiction | 18. Associationism | 19. Wurzburg | 20. Gestalt |
| 21. term | 22. Watson | 23. Problematic | |

آن به وجود آورد مایه تداوم فراخواندن و علاقمندی دانش پژوهان به آن بود. از اینرود سالهای ۳۰-۱۹۲۰ روان شناسهای گشتالت: ماکس ورتیمر^۱ و کارل دانکر^۲ آثار بسا اهمیتی درباره آفرینندگی منتشر کردند که در آنها از کاربرد دانشواژه «آفرینندگی» خودداری شده بود و به جای آن از جمله «تفکر آفریننده»^۳ بهره جسته بودند. در همان زمان شماری از پراسانه‌ها که پیوند مستقیم با تخیل داشتند (از جمله هنرها، فن شناسی^۴ ادبیات و بازیگری در صحنه) هم از سوی متخصصین همان رشته و هم از سوی روان شناسان بررسی شدند. در پیوند با چنین بررسی‌هایی شایسته است که از کارهای دانش پژوهان شوروی: ایگناتیف^۵، یا کوبسون^۶ کوالیف^۷ و دیگران یاد شود. با وجود این می‌توان گفت تخیل هنوز در این کارها به عنوان پراسانه ویژه روان شناختی، جایی ندارد، بلکه بیشتر با آن به عنوان ساختار^۸ معین از گوشمال^۹ های معین که در آن نقش اصلی به‌ورزیدگی^{۱۰} ها و توانائی^{۱۱} ها نسبت داده می‌شود، برخوردار شده است. هیچگونه جستار^{۱۲} ویژه‌ای چه در چیستی (ماهیت) روان شناختی تخیل و چه درباره قوانین ذاتی آن انجام نشده است. افزون بر آن کوشش‌هایی برای از میان بردن دانشواژه تخیل به عنوان واژه غیر علمی، به عمل آمده است.

می‌توان گفت که نیمه دوم قرن نوزدهم شاهد دگرگونی جدی در نگرش روان شناسان نسبت به تخیل بود. کالوین تایلور^{۱۳} یکی از جستارگران راهبر پراسانه‌های آفرینندگی می‌نویسد: در شش یا هفت دهه پیش از ۱۹۵۰ تنها نوشتارهای پژوهشی اندکی درباره آفرینندگی در نشریه‌های علمی به چاپ رسیده است. در حالیکه پس از ۱۹۵۰ توجه و کوشمان فزاینده‌ای راهگشای بسیاری از پژوهش‌ها در این زمینه بوده است و از آن پس پراسانه آفرینندگی مورد بررسی فزاینده‌ای قرار گرفت. برخی از دانشگاه‌های امریکا، برای مثال، دانشگاه‌هایی در ایالت یویا^{۱۴} جلسات بحث و تبادل نظرهای علمی و منطقی درباره آفرینندگی برپا داشته که شاهد بررسی تجربی گسترده و فزاینده‌ای پیرامون جنبه‌های مختلف آفرینندگی بوده و انبوه عظیمی از نوشتارها درباره آن منتشر شده است. جوی پل گیلفورد^{۱۵} به درستی با تغییر پیشر و (*Radical*) در نگرش به آفرینندگی می‌گوید: «پدیده یا موضوعی چون آفرینندگی تا این حد و چنین مدت زمان درازی نسا دیده انگاشته نشده و چنین ناگهان زندگی نیافته است».

1. Max Wertheimer
2. Karl Dunker
3. Creative thinking
4. technology
5. E. I. Ignatyev
6. P. M. Yakobson
7. A. G. Kovalyov
8. Component
9. activity
10. Skills
11. abilities
12. investigation
13. Calvin taylor
14. Utah state
15. Joy paul Guilford

* پیدائی دانشواژه تازه «آفرینندگی» در نوشتارهای علمی انگلیسی، بر آمد (*result*) افزایش توجه به این موضوع بود. کاربرد این دانشواژه با معانی مختلف از روندهای آفرینندگی و رویکرد آفرینندگی گرفته تا فرآورده‌های آفرینندگی و توان مایه آفرینندگی فردی گسترده است.

توجه دوباره به روان‌شناسی آفرینندگی نخست و پیش از همه بردلایل اجتماعی ریشه‌دار و ژرف تکیه دارد. دانشمندان امریکائی می‌گویند که پرساکنه مکاشفه و بالایش نفس شخصیت‌های آفریننده برای امریکا از اهمیت ملی برخوردار است. از آنجائی که کالوین تایلور می‌گوید «کنش آفرینندگی نه تنها در پیشرفت علمی، بلکه به گونه همگانی بر جامعه تأثیر می‌گذارد. ملت‌هایی که به خوبی یاد گرفته‌اند چگونه توان مایه آفرینندگی را در خود رشد دهند، پیروانند و تشویق کنند، می‌توانند خود را در مقام و منزلتی برتر بیابند.

در شرایط دیگر گونی‌های تند اجتماعی، رویکرد آفرینشی، معنا و اهمیت بیدامی‌کند. از آن‌رو که بهما، در چیرگی بردشواریه‌های گوناگون باری می‌رساند، اهداف نو و پیش‌بینی‌ناپذیر را طرح ریزی می‌کند و آزادی فزاینده‌ای در گزینش‌ها و در نتیجه آزادی بیشتری در عمل فراهم می‌آورد. رویکرد آفریننده، آموزش و پرورش را ساده می‌کند و آنرا موثر و با صرفه‌تر می‌سازد. در نشریات تازه، آفرینندگی را با پیش‌بایست^۲ سلامت روانی و کمال درونی یکی دانسته‌اند و یادآور شده‌اند که آفرینندگی ابزار موثری برای دستگرفت^۳ هم، تکانه‌های کودکان و هم، شخصیت بزرگسالان است. از دیدگاه برخی از نویسندگان نبود تخیل در زندگی بشر احتمالاً می‌تواند به همه گونه روان‌نژندی^۴ و نابسامانی‌های روانی، می‌بارگنی^۵، خوگیری^۶ داروئی، و سواس‌های عجیب و غریب، بی‌زادی و حتی خودکشی بیانجامد. در حالیکه بخش هنرمندان شخصیت، به آدمی، ایمنی در برابر اثرات زیانبار و دیوانگی می‌بخشد. افزون بر آن به بهبود آدمی‌باری می‌رساند.^۷ ژوزف ولپ^۸ یکی از شیوه‌های درمان را بر پایه برانگیختاری^۹ شکل‌های ویژه نگاره‌ها پیشنهاد کرد. آلکس اسپرن^{۱۰} می‌گوید که تاریخ تمدن، در اساس خود یادداشت^{۱۱} توانائی آفرینشی بشر است. تخیل، بنیاد کوشش‌های آدمی است و مایه آن شده تا او به عنوان موجودی انسانی بر جهان چیره گردد. سرانجام یکی از کتاب‌ها تا بدان حد پیش می‌آید که تحیل را با سرمایه واقعی چون سرمایه صنعتی و سرمایه مالی همسنگ می‌داند. می‌آه‌های ناروا از نقش تخیل در گفته‌های همانند کاملاً آشکار است و از درک و دریافت‌بندار گرایانه پدیده‌های اجتماعی، سرچشمه می‌گیرد.^{۱۲}

- | | | | |
|------------|-----------------|-------------------|-----------------|
| 1. action | 2. Prerequisite | 3. Control | 4. impulses |
| 5. nervous | 6. a'caholsim | 7. drug addiction | 8. Joseph Wolpe |
| 9. evoking | 10. Alex Oshorn | 11. record | |

* شایان‌ترین تعریف را هارنیش‌هاینه در جمله زیر داده است: «برای بهبودی خویش در حال آفرینندگی بودم تا این که آفرینندگی تمامیت مرا به‌من بازگرداند.»

** با اهمیت خواهد بود که تذکر داده شود پیدائی ناگهانی موجسی از توجه به پرساکنه آفرینندگی همزمان در به وجود آوردن نظریه‌ها و مفاهیم آفرینندگی که کاملاً در پایه خود نو باشند، ناکام‌مانده است. در فصل‌های آینده نشان خواهیم داد که جستارگران به گونه‌ای به‌هتجار تبیین‌های خود را از بوده‌های تخیل بردیدگاه‌های نظری فرادادی (traditional) بنا نهاده‌اند،

بهر حال بازشناسی نقش عوامل عقلانی از جمله تخیل در پیشرفت تاریخی، برخلاف جریان درک درست ما دیگران آن نیست. بنا بر گفته یکی از دانشمندان: «تخیل موهبتی بزرگ است که در تکامل نوع بشر سهم بسیار زیادی داشته است.» و یکی دیگر از دانشمندان در یکی از گفتارهای خود درباره تخیل چنین می گوید: «این اندیشه که تنها شاعران به تخیل نیاز دارند، نادرست و پیشداوری ابلهانه‌ای است. حتی در ریاضی بدان نیاز است، کشف محاسبات دیفرانسیل و انتگرال بی وجود تخیل ناممکن بود. تخیل دستمایهٔ پرارزشی است.» رویکرد دوباره به آفرینندگی و تخیل، تنها پس از درک اهمیت اجتماعی این پرسانه به وجود آمد. دلیل دیگری که اهمیت همسنگ دارد و مایه افزایش توجه به آفرینندگی شد، رشد درونی روان‌شناسی به عنوان دانش است. برای راهیابی و نفوذ هر چه ژرف‌تر در ماهیت روان، پژوهشگران ناگزیرند با گونه و ویژه‌ای از بوده‌ها^۱ برخورد کنند که نمی‌توانند تا حد قوانین ادراکی، پادسبب^۲ و یا حتی قوانین عقاب^۳ لگاریتمی، کاستی یابد. با فرض اینکه روش‌شناسی ماشین‌گرایانه (به ویژه رفتارگرایی)^۴ تربیتی بدهد که بوده‌های آفرینندگی در قالب این قوانین بگنجد، خود جایگزینی بر نهادهٔ کنونی هم، دیگر بیش از این برای روان‌شناسان و به ویژه سیبرنتیک‌شناس‌ها که تدابیری برای تقلید آفرینندگی طرح ریزی کرده‌اند و نیازمند اطلاعات بنده از قوانین راستین تخیل هستند، قابل تحمل نخواهد بود. بی‌اعتنائی درازمدت به تخیل، اثر خود را بر واژگان شناسی^۵ در کارهای تازه آفرینندگی برجای گذاشته است. واژه‌های تخیل (Phantasy و Fantasy) در این آثار بسیار اندک‌اند. گرچه برخی از پژوهشگران از جمله ر. هولت^۶ و ج. ل. سینگر^۷ در تجدید علاقه به تخیل بی‌تکلف می‌باشند. بی‌تردید گذشته از واژگان‌شناسی، بسیاری از پرسانه‌های ویژه تخیل باید در گمان^۸ شوند که این‌ها خود نشانگر نیاز به بنیان‌گذاری گونه‌ای پیوستگی، میان پرسانه‌های فرادادی^۹ تخیل و پرسانه‌های معاصر آفرینندگی است. چنین بنیانی در گام نخست رسیدگی به مفاهیم «تخیل» و «آفرینندگی» را ایجاب می‌کند.

ترجمه: پروانه میلانی - اصغر الهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله جامع علوم انسانی

با این امید که بتوانند بیشترین بهره را برای هدف‌های علمی ببرند. نشریه‌های تازه خارجی درباره آفرینندگی بیشتر محدود به رسانه‌های داده شده از فرآورده‌های نویسن، تجارت، نمایندگی‌های نظامی و جز آن است. برای مثال چگونه می‌توان اندیشه مهندسی و راهبردی (strategical) را تشویق کرد و یا چگونه به میزان فروش کالا افزود؛ هستی‌جاری در پیشرفت آفرینندگی سال‌های ۷۰-۱۹۵۰ به احتمال زیاد برآید اشباع شدن بازار کتاب با کتاب‌های حاوی دستور (instruction) برای برانگیختگی آفرینندگی است.

- | | | | |
|------------|----------------|-----------------|----------------|
| 1. fact | 1. mnemonic | 3. behaviorism | 4. terminology |
| 5. R. Holt | 6. J.L. Singer | 7. modification | 8. traditional |